



# شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس (مورخ ۶۱۴ ق)

برات زنجانی\*

دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران

**چکیده:** نسخه خطی شاهنامه فردوسی موجود در کتابخانه فلورانس با توجه به تاریخ کتابت آن (۶۱۴ ق) در حال حاضر قدیم‌ترین نسخه خطی شاهنامه به شمار می‌آید و در حدود شصت سال از نسخه خطی موزه بریتانیا (۶۷۵ ق) که شاهنامه چاپ شوروی بر اساس آن تصحیح و منتشر شده است، قدیم‌تر است. پس از شناختن این نسخه، اختلاف نظرهایی درباره اعتبار آن در میان استادان ادب پدید آمد. به طوری که برخی آن را کهن‌ترین و معتبرترین نسخه شاهنامه می‌دانند و برخی بر ساختگی و جعلی بودن آن تأکید می‌کنند. نویسنده در این مقاله به بررسی نظرات مختلف در این باره می‌پردازد.

در سال ۱۳۶۹، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، به مناسبت کنگره جهانی بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، به چاپ عکسی نسخه کتابخانه ملی فلورانس شاهنامه اقدام کرد. مأخذ این مقاله همان نسخه عکسی است. تا پیش از این نسخه، قدیم‌ترین نسخه شناخته شده شاهنامه، نسخه خطی موزه بریتانیا بود که در سال ۱۷۵۰ ق کتابت شده و نسخه اساس شاهنامه چاپ شوروی قرار گرفته بود. نسخه خطی فلورانس شصت سال از نسخه بریتانیا قدیم‌تر است و تفاوت‌ها و مشترکاتی با آن دارد. نسخه فلورانس را کاتب، جلد اول نامیده است و همه ابیات شاهنامه را در برنمی‌گیرد. جلد دوم این نسخه تاکنون به دست نیامده است. این نسخه از لحاظ قدمت و قوت حایز اهمیت است. عبارت پایانی آن که متضمن تاریخ تحریر است، چنین است:

«تمام شد مجلد اول از شاه نامه پیروزی و خرمی روز سه شنبه سیّم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمد الله تعالی و حسن توفیقه وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین الطیبین»

و در ذیل همین صفحه یادداشت‌هایی از افراد مختلف نوشته شده است که در بعضی از قسمت‌ها خوانا نیست و تا حدودی می‌توان این عبارات را چنین خواند:

«مطالعه العبد المحتاج الی الله تعالی کتبه اخی محمد بن احسی ... در ماه مبارک محرم طالع العبد المحتاج الی رحمة الله تعالی کتبه الکمل المطالب ... الواقف هذا الكتاب ... اربع و ثلاثین و سبعمانه ... علی ... او را که علی امام می‌شود. الفقیر نظام هر که آمد عمارت نو ساخت رفت منزل بدیگری پرداخت. الفقیر نظام»

پس از یافتن این نسخه، درباره صحّت و سقم مطالب آن گفتگوهایی بین استادان ادب به عمل آمد. دانشمند محترم آقای دکتر جلال خالقی مطلق آن را کهن‌ترین و معتبرترین دست‌نویس موجود شاهنامه می‌داند و در تصحیح خود، آن را اساس قرار داده است.<sup>۱</sup>

دانشمند محترم، آقای محمد روشن، پیش از آنکه نسخه عکسی در ایران به چاپ برسد در ایتالیا نسخه را دیده‌اند و آن را ساختگی می‌دانند و چنین دلیل می‌آورند:

«در نخستین برخورد و دیدار به آشکارا دیده می‌شود که عبارت «تمام شد مجلد اول ...» بر تراشیدگی کاغذ بازنویس

در سال ۱۳۶۹، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، به مناسبت کنگره جهانی بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، به چاپ عکسی نسخه کتابخانه ملی فلورانس شاهنامه اقدام کرد. مأخذ این مقاله همان نسخه عکسی است. تا پیش از این نسخه، قدیم‌ترین نسخه شناخته شده شاهنامه، نسخه خطی موزه بریتانیا بود که در سال ۱۷۵۰ ق کتابت شده و نسخه اساس شاهنامه چاپ شوروی قرار گرفته بود. نسخه خطی فلورانس شصت سال از نسخه بریتانیا قدیم‌تر است و تفاوت‌ها و مشترکاتی با آن دارد. نسخه فلورانس را کاتب، جلد اول نامیده است و همه ابیات شاهنامه را در برنمی‌گیرد. جلد دوم این نسخه تاکنون به دست نیامده است. این نسخه از لحاظ قدمت و قوت حایز اهمیت است. عبارت پایانی آن که متضمن تاریخ تحریر است، چنین است:

«تمام شد مجلد اول از شاه نامه پیروزی و خرمی روز سه شنبه سیّم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمد الله تعالی و حسن توفیقه وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین الطیبین»

و در ذیل همین صفحه یادداشت‌هایی از افراد مختلف نوشته شده است که در بعضی از قسمت‌ها خوانا نیست و تا حدودی می‌توان این عبارات را چنین خواند:

«مطالعه العبد المحتاج الی الله تعالی کتبه اخی محمد بن احسی ... در ماه مبارک محرم طالع العبد المحتاج الی رحمة الله تعالی کتبه الکمل المطالب ... الواقف هذا الكتاب ... اربع و ثلاثین و سبعمانه ... علی ... او را که علی امام می‌شود. الفقیر نظام هر که آمد عمارت نو ساخت رفت منزل بدیگری پرداخت. الفقیر نظام»

پس از یافتن این نسخه، درباره صحّت و سقم مطالب آن گفتگوهایی بین استادان ادب به عمل آمد. دانشمند محترم آقای دکتر جلال خالقی مطلق آن را کهن‌ترین و معتبرترین دست‌نویس موجود شاهنامه می‌داند و در تصحیح خود، آن را اساس قرار داده است.<sup>۱</sup>

دانشمند محترم، آقای محمد روشن، پیش از آنکه نسخه عکسی در ایران به چاپ برسد در ایتالیا نسخه را دیده‌اند و آن را ساختگی می‌دانند و چنین دلیل می‌آورند:

«در نخستین برخورد و دیدار به آشکارا دیده می‌شود که عبارت «تمام شد مجلد اول ...» بر تراشیدگی کاغذ بازنویس

\* دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی؛ استاد دانشگاه.

۱. مقدمه چاپ عکسی نسخه فلورانس به قلم علی رواقی، صفحه چهل و سه.









گنجایی یافته است. اما عرض این کتیبه‌ها هریک جای هشت بیت را گرفته است و در صفحاتی که سه کتیبه دارد جای بیست و چهار بیت گرفته شده است. در سراسر کتاب، این کتیبه‌ها بیش از شش صد بار آمده است. در داخل این کتیبه‌ها عبارات دعا گونه‌ای نوشته شده و برای صاحب و مالک کتاب

آرزوی سعادت و کامیابی و عزت و نعمت و سلامت شده و موضوع آنها تکرار گردیده است. چند نمونه از نوشته این کتیبه‌ها را در ذیل می‌آورم:

- «بالعز و الدوله و السعادة و السلامة» (ص ۱۶۲)،
- «بالسعادة الكاملة و بالنعمة الشاملة» (ص ۲۰۷)، «بالعز و المجد و البها و البقا لصاحبه» (ص ۲۲۱)، «بالسعادة و السلامة و البقا لصاحبه» (ص ۲۵۰).

این قبیل دعاکردن و خوشگویی‌ها در قرون چهارم و پنجم و ششم یعنی زمان کتابت نسخه فلورانس و پیش از آن معمول بوده است. بر روی کاسه لعابی که تاریخ ۶۰۴ ق را دارد چنین نوشته شده است: «بالعز و اقبال الرائد و النصر الغالب» و در حاشیه بشقابی از قرن چهارم هجری آمده است:

«الاقبال و الدوله و الكرامة و الشجاعة و العز و البقا و الشرافة و السلامة و الدائمة و الظفر و السعادة لصاحبه» و در حاشیه کاسه زرین فام، اول قرن هفتم چنین نوشته شده است: «العز الدائم و الاقبال السالم و الدوله و البها و السعادة و السلامة».

ثانیاً: نام فردوسی و پدرش در ترجمه بُنداری که در حدود سال ۶۲۰ ق از شاهنامه به عربی انجام شده «منصور بن حسن» ذکر شده و در برخی مآخذ مانند تاریخ گزیده «حسن بن علی» و در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی و آتشکده آذر «حسن بن اسحق بن شرف شاه» و در مجمع الفصحاء هدایت «حسن بن اسحاق بن شرف شاه محمد بن منصور بن فخرالدین احمد بن حکیم مولانا فرخ» آمده است. و مآخذ دیگر به قول بُنداری

نقاشی کلمات کتیبه اول

بنام ایزد بهشایند بهشایس

نقاشی کلمات کتیبه چهارم

خدا شاه نام از قنار امیر حکیم ملک

نقاشی کلمات کتیبه سوم

السلام بیه الشعر ابر القاسم منصور

بمن المعز المعز و هو

نقاشی کلمات کتیبه ششم

الکرسی رحمة الله

عبارت کتیبه اول: بنام ایزد بخشایند بخشایس  
عبارت کتیبه چهارم: کتاب شاهنامه از قنار امیر حکیم ملک  
عبارت کتیبه سوم: الکلام جید الشعر ابوالقاسم منصور بن الحسن الفردوسی  
عبارت کتیبه ششم: القوسی رحمه الله

پذیرفته نیست؛ زیرا اگر روز سه شنبه سوم ماه محرم باشد، سه شنبه آخر ماه «سی و یکم» خواهد بود و ماه قمری سی و یک روزه دیده نشده است و اگر سه شنبه «سی‌ام» ماه محرم باشد، در این صورت دوشنبه، سوم ماه محرم خواهد بود و روز سه شنبه، چهارم خواهد بود و باطل بودن این ایراد روشن است. اینها دلایلی بود بر نادرستی آن ایرادها که در بالا اشاره شد. اکنون برخی از دلایل صحّت این نسخه را که خود به‌دست آورده‌ام در معرض قضاوت نسخه‌شناسان قرار می‌دهم:

اولاً: در صفحات این نسخه غیر از متن کتاب کتیبه‌هایی در عرض صفحات با خط بنایی نوشته‌اند و کمتر صفحه‌ای است که کتیبه نداشته باشد. در بعضی از صفحات دو کتیبه و گاهی سه کتیبه هم به فاصله اندک از هم قرار گرفته است. تعداد سطر هر صفحه بیست و هفت است که آیات در دو ردیف و در امتداد هم نوشته شده است و جمعاً در هر صفحه پنجاه و چهار بیت

۶. مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ص ۶ (بهار و تابستان ۱۳۶۶) ش ۱ و ۲، ص ۵۸.  
۷. همان، ص ۶۶.



سیاوش را به کاخ خویش می‌طلبد و زیبا رویان را به او نشان می‌دهد و می‌گوید :

از این خوبس رویان به چشم خرد

نگه کن که با تو که اندر خورد

سیاوش فرو ماند و پاسخ نداد

چنین آمدش بردل پاک یاد

که من بردل پاک شیون کنم

به آید که از دشمنان زن کنم

(شاهنامه چاپ شوروی، ج ۳، ص ۲۱ - ۲۲)

در نسخه فلورانس (ص ۱۸۱) بیت سوم چنین است :

که گر بردل پاک شیون کنم

به آید که از دشمنان زن کنم

«که گر» بهتر از «که من» است، زیرا مصراع اول شرط

و مصراع دوم جزای شرط است و جمله شرطیه محتاج

«اگر» ادات شرط است.

خامساً: بنابر نسخه فلورانس (ص ۱۷۶) مادر سیاوش پس

از زادن فرزند در گذشته است و فردوسی در دو بیت، وفات او

را یاد کرده است :

بگفتند با شاه کاوس کی

که بر خوردی از ماه فرخنده پی

یکی کسودکی فرخ آمد پدید

کنون تخت برابر باید کشید

جدا گشت از کودک کی چون پری

به چهره بسان بت آزی

یکی ماه دیدار فرخ پسر

که بر مادر آورد گیتی به سر

چو آن شاه زاده ز مادر بزاد

هم اندر زمان مادرش جان بداد

جهان گشت از آن خرد پرگفت و گوی

کز آنگونه نشنید کس روی و موی

جهاندار نامش سیاوخش کرد

بر او چرخ گسردنده را بخش کرد

ژول مول، مستشرق فرانسوی، در سال ۱۸۷۸م از نسخه‌های

خطی و چاپی که به دست آورده بود به روش التقاطی

شاهنامه‌ای فراهم ساخت و آن را به فرانسه ترجمه کرد و همراه

با متن فارسی در هفت جلد منتشر کرد. در این شاهنامه در

که از همه اقدم است، اعتماد کرده‌اند.<sup>۸</sup> در نسخه فلورانس نیز در کتیبه‌های اول، چهارم، سوم و ششم صفحه اول و دوم چنین آمده است :

«بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر کتاب شاهنامه از گفتار

امیر حکیم ملک الکلام جید الشعر ابوالقاسم منصور بن الحسن

الفردوسی الطوسی رحمه الله»

رابعاً: در شاهنامه چاپ شوروی (ج ۳ ص ۶۱) که بر

اساس چهار نسخه قدیمی انجام شده چنین آمده است :

و زان روی چون رستم شیر مرد

بیامد بر شاه ایران چو گرد

به پیش اندر آمد بکش کرده دست

بر آمد سپهبد ز جای نشست

پرسید و بگفتش اندر کنار

ز فرزندی و از گردش روزگار

ز گردان و از رزم و کار سپاه

وزان تا چسرا باز گشت او ز راه

نخست از سیاوش زبان برگشاد

ستودش فراوان و نامه بداد

چو نامه بر او خواند فرخ دبیر

رخ شهریار جهان شد چو قیر

مطابق رسوم قدیم رستم نمی‌توانست بدون ادای احترام با

پادشاه ایران گفتگو کند و این مطلب در شاهنامه چاپ شوروی

از قلم افتاده، اما در نسخه فلورانس (ص ۱۹۷) چنین آمده است :

ز گردان و از رزم و کار سپاه

وزان تا چسرا باز گشت او ز راه

تهمتن بیوسید روی زمین

به کاوس بر خواند چند آفرین

نخست از سیاوش زبان برگشاد

ستودش فراوان و نامه بداد

این نکته‌ای بسیار دقیق است که خواننده را به نظر نمی‌رسد،

اما از چشم محقق دور نمی‌افتد.

شاهدی دیگر از درستی عبارت در نسخه فلورانس به قرار

زیر است :

سودابه دختر پادشاه هاماوران است و هاماوران دشمن ایران

بوده و نبردهایی با هم داشته‌اند. سودابه می‌خواهد یکی

از خویشان خود را به عقد سیاوش در آورد تا او را بیشتر ببیند.

۸ ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات، تهران: فردوس، ۱۳۶۷، ج هشتم، ۲، ص ۴۵۸.

وفات مادر سیاوش ایباتی آمده است مبنی بر اینکه سیاوش هشت ساله بود که مادرش درگذشت و او به سوگ مادر نشست و پانزده بیت بسیار سست که حتماً از خامه نسخه نویسی بی مایه‌ای تراویده به این کتاب پیوسته است.

این پانزده بیت از شاهنامه ژول مول به شاهنامه‌هایی که بعد از آن، یعنی پس از ۱۸۷۸م در ایران به چاپ رسیده، راه یافته است. اما دیدگاه و دقت محققان شوروی بالاتر از مستشرقان اروپایی بود. آنان اقدام به چاپ نسخه انتقادی شاهنامه کردند و چون به این پانزده بیت برخوردند و آن را در قدیم‌ترین نسخه‌هایی که پایه کار قرار داده بودند، مانند نسخه خطی موزه بریتانیا، مورخ ۶۷۵ ق و نسخه خطی کتابخانه لنینگراد، مورخ ۷۳۳ ق و نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی علوم شوروی، مورخ ۸۴۹ ق، نیافتند در اصلت آن تردید کردند و این ابیات را در پایان جلد سوم جزو ملحقات قرار دادند. شاید نظایر این قبیل دقت‌ها اعتماد اهل قلم را به شاهنامه چاپ شوروی افزوده و آن را مورد قبول قرار داده است.

درخاتمه، پانزده بیت یاد شده را به صورتی که در نسخه چاپی ژول مول آمده، بدون دخل و تصرف در کلمات آن، در اینجا می‌آوریم:

«وفات یافتن مادر سیاوش

بفرمان شاه چون بسیجیدکار

برفت از جهان مادر شهریار

سیاوش زگاه اندر آمد چو دیو

بر آورد بر چرخ گردان غریو

بتن جامه خسروی کرد چاک

بسر بر پراگند تاریک خاک

همی بود با سوگ مادر دژم  
همی کرد با جان شیرین ستم

بسی نوحه کردش بروز و به شب  
بسی روز نگشاد بر خنده لب

همی بود یک ماه با درد و داغ  
نمی‌جست یک ماه از انده فراغ

از آن چون بزرگان خبر یافتند  
به پیش سیاوخش بشتافتند

چو طوس و فربرز و گودرز و گویو  
چه شهزاده چه پهلوانان نیو

سیاوش چو رخسار ایشان بدید  
ز دل باد آزار دگر برکشید

ز نوگریه دیگر با آغاز کرد  
در اندهای دلش باز کرد

چو گودرز آن سوگ شهزاده دید  
دژم شد چو آن سرو آزاده دید

بخرجید و گفتش که ای شاهزاد  
شنو پند و از نو مکن سوگ یاد

هر آنکس که زاد او ز مادر ببرد  
ز دست اجل هیچکس جان نبرد

کنون گرچه مادرت شد یادگار  
به مینوست جان وی انده مدار

بصد لابه و پند و افسون و رای  
دل آورد شهزاده را باز جای»

نتیجه آنکه با استفاده از نسخه فلورانس می‌توان به افزونی‌ها و کاستی‌های نسخه‌های خطی و چاپی که بعد از نسخه فلورانس

(۶۱۴ ق) نوشته شده و یا به چاپ رسیده است دست یافت و سخن شناسان را به داوری طلبید.



همانچنین است آب و سان	مرد در میان مرد و زنان	سرای چغت یا حد دروغ	تو بارخ او ناز و جوش
ایین کار بجز پادشاه کبر	جانراکن دان و غمراه رسو	سوی سلی و کسای کوی	خوش است نوشته امیر خوی
چنین است کار جهان جهان	جانست ازین مراد و جهان	خبر بود تا بود کار جهان	زانه کرد تا چرخ جهان
ندل نمک ز روی لاکم کوی	بیزد مگر خیزد جور یک	دل نمک نمک نغمی سخن	بندید از روز یکبار کهن
جویری در آید ز نامه مرد	خویش کند باده ساغر خود	برد اندر و پادشاه آرد بر باد	کفر زانه کوه بود با بنید
کرا کوه شریست و بالا بلند	کند آیه او را جوهر کما	لا کوه شریست و بالا تر است	بکویان بر جوش خود مست
محمد خدیو مرد کردد	جوهر و جوهر کردد او ترا	جوهر مان زنده تا پادشاه شود	بر خار چون نازد تا شود



المالک کوه خواتین بود  
نیز استان خواتین زبان بود  
تورمه زنده تو با چرخ  
نکند کردار آن استان  
چهارم کیم تو امر حاکم  
بوزان فرین کافرین آن بود  
نخایم زین امر وای کوه  
مکان هزاره زین آن بود



تمام شد عجله اولک ارشاد نامه پیروزی قری  
روز سه شنبه سیم ماه مبارک محرم سال شصت و هجده



محمد ناصر عالی حسن و محمد  
و علی الله علی خیر صلواته علیهم  
راه العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی  
محمد و آله الطیبین  
الطاهرات

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی  
محمد و آله الطیبین  
الطاهرات

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی  
محمد و آله الطیبین  
الطاهرات

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی  
محمد و آله الطیبین  
الطاهرات

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی  
محمد و آله الطیبین  
الطاهرات